



The Place of Republicanism in Imam Khomeini's Theory of the State


Hassan Nickar

PhD student in Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: nickarhassan@yahoo.com  0000-0000-0000-0000


Akbar Ashrafi

Associate Professor, Political Science Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Akbarashrafi552@gmail.com  0000-0000-0000-0000

Masoud Motalebi

Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
Email: mmthp2006@gmail.com  0000-0000-0000-0000

Ahmad Bakhshayeshiardestani

Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir  0000-0000-0000-0000


Abstract

The broad scope of the concept of the state and its historical evolution have led to various interpretations of the role of the people; thus, the degree of their influence in any given government, alongside other factors shaping states, has given rise to distinct theories of statehood. In this paper, the concept of republicanism refers to the role of the people in governance. The main question in this research asks: What is the place of republicanism in Imam Khomeini's theory of the state? The central hypothesis is that in this theory, "the leader chosen by the people" enjoys a foundation of divine legitimacy while also deriving his authority from the people's selection, thereby achieving practical realization through this dual source. Here, our independent variable is republicanism and the role of the people within the political structure and Imam Khomeini's ideal theory of statehood, while the dependent variable is the theory of a leader chosen by the people. In this perspective, republicanism serves as a foundational pillar for establishing an Islamic government and as a model for implementing religious laws and ordinances. This paper describes the characteristics of republicanism in Imam Khomeini's theory of the state, highlighting its points of convergence and divergence with other state theories. Employing qualitative content analysis methodology and Quentin Skinner's intentionalist hermeneutics, this research arrives at a synthesis of republicanism with virtues rooted in religious truths. In other words, republicanism is derived from the essence of religion, leading to the conclusion that republicanism constitutes one of the essential principles for realizing Imam Khomeini's envisioned state.


Keywords: Republicanism, Democracy, Theory of the State, Religious Democracy.

جایگاه جمهوریت در نظریه دولت امام خمینی (ره)


حسن نیک‌کار

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: nickarhassan@yahoo.com 0000-0000-0000-0000 


اکبر اشرفی

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Akbarashrafi552@gmail.com 0000-0000-0000-0000 

مسعود مطلبی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: mmthp2006@gmail.com 0000-0000-0000-0000 

احمد بخشایش اردستانی

استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: ahm.bakshayeshiardestani@iauctb.ac.ir 0000-0000-0000-0000 

چکیده

گسترده‌گی مفهوم «دولت» و سیر تطور آن در طول تاریخ، گوناگونی نقش مردم را سبب شده است؛ به طوری که میزان اثر مردم در هر حکومت در کنار سایر مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری دولت‌ها به نظریه‌ای متمایز از دولت انجامیده است. در این مقاله، مفهوم «جمهوریت» ناظر به نقش مردم در حکومت و پرسش اصلی این بوده است که «جمهوریت در "نظریه دولت" امام خمینی چه جایگاهی دارد؟»؛ با این فرضیه اصلی که در نظریه مزبور، «ولی منتخب مردم» ضمن برخورداری از مشروعیت الهی، دارای مبنای انتخاب مردم بوده و از این مسیر تحقق عینی یافته است. در این پژوهش، متغیر مستقل «جمهوریت و نقش مردم در ساختار سیاسی و نظریه دولت مطلوب امام» و متغیر وابسته «نظریه ولی منتخب مردم» بوده است. در نظریه یادشده، جمهوریت به مثابه رکن تأسیس حکومت اسلامی و الگوی اجرای احکام و شرایع دین است. این مقاله مختصات جمهوریت در نظریه دولت امام خمینی را وصف کرده که خود مبین وجوه افتراق و اشتراک نظریه ایشان با سایر نظریات دولت است. پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی و هرمنوتیک قصدگرای اسکینر به توأمانی جمهوریت با حقایق از جنس فضائل رسیده، به این معنی که جمهوریت از بطن دین قابل استخراج بوده و بر این اساس گزاره «جمهوریت یکی از اصول حتمی تحقق دولت مورد نظر امام خمینی است» نتیجه گرفته شده است.


واژگان کلیدی: جمهوریت، دموکراسی، نظریه دولت، مردم‌سالاری دینی، اسلام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۵، بهار ۱۴۰۴، صص ۱-۲۴

دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی 

Doi: 10.22034/rir.2025.489674.1059

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه

نظام مبتنی بر جمهوریت در مقابل نظام موروثی و استبدادی معنا می‌یابد و حکومتی است که در آن جانشینی رئیس کشور از طریق وراثت قابل انتقال نیست. با عنایت به اینکه مفهوم جمهوری را بسیاری از دیکتاتورهای غیرسلطنتی نیز به کار می‌گیرند و خود را نوعی حکومت جمهوری معرفی می‌کنند، باید جمهوری را از منظر مفهومی، حائز درجاتی از دموکراسی قلمداد کرد. با این اوصاف می‌توان حکومت جمهوری را در مقابل حکومت سلطنتی، نوعی حکومت غیرسلطنتی معرفی کرد. هرچند این نکته و معیاری که نظام جمهوری را در مقابل نظام سلطنتی قرار می‌داد پس از برقراری دموکراسی در بسیاری از نظام‌های سلطنتی اروپا، از میان رفت، زیرا این نظام‌ها خاستگاه قدرت خویش را نه از اراده الهی، بلکه از اقبال و خواست مردم می‌دانستند.

رکن مردمی یا جمهوریت در نظام‌های سیاسی از مهم‌ترین ارکان علم سیاست شناسایی می‌شود و از جمله آثار و مقالات نگارش یافته در این حوزه، «مبانی معرفتی جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» (اسماعیلی و دشت‌کوهی، ۱۴۰۰) است. این پژوهش با طرح پرسشی مبنی بر اینکه جمهوریت در اندیشه امام خمینی (ره) از کدام مبانی معرفتی مشتق شده است، در راستای فرضیه پژوهش به این نتیجه می‌رسد که مبانی جمهوریت از نگاه انسان‌شناسانه هستی‌شناسانه ایشان نشئت می‌گیرد. دیگر مقاله مبتنی بر جایگاه جمهوریت در اندیشه امام خمینی (ره)، مقاله «جمهوریت و تغلب در آرای امام خمینی و سید قطب و تأثیر آن بر حرکت‌های اسلامی معاصر» (اسماعیلی، ۱۳۹۷) است که در آن، به تلقی ایجابی امام خمینی در قبال جمهوریت و نفی خشونت اشاره می‌شود که از نتایج این نگاه، الگوپذیری گروه‌های اسلامی جهان اسلام از رویکرد دموکراتیک و عمدتاً مسالمت‌جویانه در مواجهات سیاسی آن‌ها بوده است.

۲. بیان مسئله

این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که جمهوریت در نظریه دولت امام خمینی چه جایگاهی دارد و به عبارت دیگر، مؤلفه‌های مردمی با تبعیت از چه شاخصه‌هایی نظریه دولت مدنظر امام را شکل می‌دهند. در نظریه دولت امام خمینی

«ولی منتخب مردم»، ضمن برخورداری از مشروعیت الهی، دارای مبنای انتخاب مردم بوده و از این مسیر تحقق عینی یافته است. متغیر مستقل در این مقاله، جمهوریت و نقش مردم در ساختار سیاسی و نظریه دولت مطلوب امام و متغیر وابسته، نظریه دولت یا همان نظریه ولی منتخب مردم است. این مقاله مبتنی بر روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی و استمداد از هرمنوتیک قصدگرای «کوئنتین اسکینر»^۱ سامان یافته است. بر این اساس، ضمن بررسی مفاهیم مرتبط به موضوع پژوهش، شرایط و زمان طرح مباحث جمهوریت از سوی امام را به دقت تشریح و پس از آن با توضیح محتوای یادشده درصدد تصریح و تبیین نکات مطرح در متن مستخرج از بیانات برمی‌آییم.

۳. مفاهیم و مبانی نظری

۳-۱. مفهوم جمهوریت

واژه جمهور در لغت به معنای همه مردم، توده، گروه و بخش اعظم یک چیز است و در توضیحات بیشتر برای این واژه، آن را حکومتی معرفی کرده‌اند که زمام آن به دست نمایندگان ملت باشد که در این صورت رئیس این حکومت نیز رئیس‌جمهور خوانده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳: مدخل جمهور). در اندیشه و سنت سیاسی غرب، اطلاق عنوان جمهوری تا قبل از انقلاب آمریکا و فرانسه برای حکومت‌هایی کاربرد داشت که رفاه کلی مردم جامعه را مطمح نظر قرار می‌داد و با این تفسیر حکومت‌هایی چون پادشاهی و آریستوکراسی نیز در طلق حکومت جمهوری قرار می‌گرفت و در باب برخی از دولت‌ها نیز در سطحی تقلیل‌گرایانه‌تر، هرچند که دارای آزادی سیاسی محدودی بودند، به این واسطه که رفاه مردم را مورد توجه داشتند، حکومت جمهوری معرفی می‌شدند. البته باید گفت، برخی از محافظه‌کاران آمریکایی، بر این باورند که از مفهوم جمهوری حکومت مشروطه، حکومت قانون و به عبارتی قانونی بودن حکومت قابل برداشت است؛ حال آنکه دموکراسی را در معنای غوغاسالاری یا حکومت مردمان پست تعبیر می‌کنند و در همین راستا بعضی به‌صورت مؤکد قائل‌اند که رژیم ایالات متحده آمریکا در طلق حکومت‌های جمهوری قابل محاسبه است و نه حکومت‌های دموکراسی (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۱۱-۱۱۲).

^۱. Quentin Robert Duthie Skinner

همچنین، جمهوری نوعی حکومت انتخابی با مفهوم عام حکومتی است که از ناحیه وراثت و به صورت موروثی حاصل نشده باشد. با این حال حکومت‌های جمهوری همیشه معرف دموکراسی نیستند و تنها در صورتی می‌توانند دموکراسی باشند که رئیس حکومت مستقیماً با رأی مردم یا نمایندگان مردم انتخاب شده باشند (طلوعی، ۱۳۷۷: ۳۷۶)؛ اما جمهوری اسلامی که مبتنی بر نظریه مردم‌سالاری دینی تحقق یافته از نمونه‌های حکومت جمهوری است که قوانین و مقررات وضع شده در این نظام در چارچوب قوانین و مقررات قرآنی و شریعت اسلامی سامان می‌یابد (همان: ۳۷۷)

۲-۳. مفهوم دولت

دولت در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای حکومت، سلطنت، جاه و مکت، هیئت وزیران، نخست‌وزیر و وزیران او است و ثروت و مال از آن جهت که دست به دست شود (دهخدا، ۱۳۷۳: مدخل دولت) و در زبان لاتین، «دولت» در لغت از ریشه «state»، به معنای ایستادن و وضع مستقر و پابرجا با واژه «status» معنا یافته است. از مشتقات این واژه در زبان لاتین می‌توان به واژگانی چون Static (ایستا) یا Stable (ثابت) اشاره کرد. این مفهوم در ساحت کاربردی، به صورت بسیار ظریفی از عرصه افراد به قلمرو نهادها و قدرت سیاسی نقل‌مکان معنایی یافته است (وینسنت، ۱۳۷۶: ۳۶)؛ واژه Status و مشتقاتش را در سده چهاردهم، در متون سیاسی گوناگون می‌توان رؤیت کرد که غالباً برای اشاره به وضع یا موقعیت خود حکمرانان مورد استفاده قرار می‌گیرد (اسکینر و همکاران، ۱۳۸۱: ۲)؛ به همین دلیل مفهوم دولت در مقام قدرت مسلط پایداری در سرزمین معین و بر مردمان معین دلالت می‌یابد (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۶۲). و همچنین در بعد داخلی در تکاپوی حفظ نظم و از منظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش به ایفای نقش می‌پردازد. البته این ساخت قدرت در ساحت‌هایی چون نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی امکان فعلیت و تحقق می‌یابد؛ به طوری که در نظام‌های مبتنی و معطوف بر تفکیک قوا، حکومت قوه اجرایی دولت را شامل می‌شود (همان: ۱۶۳).

۳-۳. مفهوم دموکراسی

«دموکراسی» در لغت به معنای حکومت عموم مردم است. البته یونانیان باستان در اشاره به واژه «دمو»^۱ از آن به معنای مستمندان جامعه یا اکثریت جمعیت یاد می‌کنند. البته در انتزاعی بودن مفهوم دموکراسی تردیدی نیست و برای آن انواعی را نیز می‌توان برشمرد، از جمله: دموکراسی «مستقیم» و دموکراسی «غیرمستقیم» یا «نماینده‌گی». برای شکل اول یا همان دموکراسی مستقیم، از دموکراسی یونان باستان می‌توان یاد کرد که نمود امروزی آن را در قالب رفراندوم یا همه‌پرسی مشاهده می‌کنیم و به عبارتی سیستمی از خودمختاری مردمی شناخته می‌شود. دموکراسی غیرمستقیم اما نوعی محدود از مشارکت مردمی است که به صورت مقطعی و کوتاه و هر چند سال یک‌بار به آرای مردم در انتخاب نمایندگانشان رجوع می‌شود و از آنجا که در این نوع از دموکراسی مردم مستقیم به اعمال قدرت نمی‌پردازند، از آن با عنوان دموکراسی غیرمستقیم یاد می‌شود (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۴). البته با لحاظ قرائت‌های جدید انواع دموکراسی مردم‌سالاری لیبرال یا قانونی^۲، مردم‌سالاری اجتماعی یا اقتصاد^۳ و مردم‌سالاری دینی را نیز می‌توان نام برد. مردم‌سالاری لیبرال یا قانونی که بر بستر انتخاب نمایندگان بروز می‌یابد، آن‌گونه است که در آن قدرت اکثریت، در مختصات یک محدودیت قانونی در فضای جامعه اعمال می‌شود تا همهٔ آحاد جامعه اعم از اکثریت و اقلیت بتوانند از حداقل حقوق فردی و جمعی چون آزادی‌های بیانی و دینی بهره‌مندی لازم را داشته باشند. در نوع مردم‌سالاری اجتماعی یا اقتصادی، با هدف کاهش اختلافات طبقاتی و تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی که معمولاً از ناحیه توزیع غیرعادلانه ثروت خصوصی حاصل می‌شود سنخ متفاوتی از دموکراسی را شاهدیم که نمونهٔ ادعایی مارکسیسم از آن جمله به شمار می‌رود (حلبی، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۳).

۳-۴. مفهوم مردم‌سالاری دینی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مردم‌سالاری، «قدرت/اقتدار جمعی» و «مشارکت مردمی» است که در «مردم‌سالاری دینی» به واسطه منبع اعتباری به نام دین توجیه، تحلیل

1. demo

2. Liberal or constitutional democracy

3. Social or Economical democracy

و تبیین می‌شود. مراد از توجیه همان فرایند اعتبار سازی و مراد از تحلیل کشف مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که مردم‌سالاری را می‌پذیرد و در نهایت مقصود از تبیین، وصف گزاره‌هایی است که در منابع معرفت‌شناختی، تعیین‌کننده حدود و قلمرو مورد‌پذیرش مؤلفه‌های مردم‌سالاری هستند (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵)

ویژگی‌های حکومت‌های مردم‌سالار عبارت‌اند از:

- ۱) قدرت به وسیله مردم مشروعیت می‌یابد.
- ۲) اراده عمومی در آرای اکثریت جامعه ظاهر می‌شود.
- ۳) همه افراد جامعه اعم از اقلیت و اکثریت در برابر قانون برابرند و از حقوق یکسان برخوردارند.
- ۴) همه آزادی‌ها اعم از فردی، اجتماعی و سیاسی از سوی حاکمان جامعه ضمانت می‌یابد.
- ۵) انتخاب مسئولان جامعه در قالب انتخابات آزاد یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای و از سوی مردم صورت می‌پذیرد.
- ۶) نوع نظام حاکم و ساختار سیاسی آن، زائیده خواست عمومی جامعه است.
- ۷) نظارت عمومی بر حاکمیت به صورت مستقیم و غیرمستقیم تضمین شده است.
- ۸) همه مناصب حکومتی موقت و مدت‌دار هستند و هیچ منصب و مسئولیتی مادام‌العمر تصور نمی‌شود.
- ۹) احزاب سیاسی آزاد که در تبادل قدرت ایفاکننده نقش مؤثرند و مطبوعات و رسانه‌ها زبان گویای مردم به شمار می‌آیند.
- ۱۰) همه حکمرانان جامعه در برابر ملت و نمایندگان ایشان پاسخگو هستند و میان قدرت و مسئولیت تناسب وجود دارد (موحدی ساوجی، ۱۳۹۸).

۳-۵. مفهوم دین

تعریف‌های مختلف «دین» معطوف بر ابعاد گوناگون مفهومی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و پدیدار شناختی بوده که در بسیاری از آن‌ها سطح معنا و تحلیل در یک بُعد تقلیل یافته است؛ از این منظر چه بسا طرح یکی از تعاریف، پاسخگوی ارائه تعریفی تکمیلی از مفهوم دین نباشد. تعریف ما از دین با صرف اراده کردن اسلام از

دین همراه است که بفرموده قرآن کریم «همانا دین [پسندیده] نزد خداوند آیین اسلام است» (آل عمران/۱۹)؛ از این رو می‌توان دین اسلام را اعتقاد به وجود خدای سرمدی دانست که دارای قدرت مطلق است و با حکمت و اراده خود بر جهان هستی حکم می‌راند و از طریق متون و آموزه‌های دینی به تدبیر زندگی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی می‌پردازد (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). چنانکه امام خمینی (ره) در کتاب شرح چهل حدیث، دین را مجموعه قوانین و دستورهایی می‌داند که خداوند تشریح کرده است تا راه‌های هدایت را به انسان بفهماند و آن‌ها را تحت نظم و انتظام درآورد (مرتضوی ۱۴۰۰: ۴۸۰).

برای فهم صحیح مفهوم جمهوریت و جایگاه آن در نظریه دولت امام خمینی (ره)، طرح مختصری از نظریه‌های دولت در طی قرون گذشته ضروری می‌نماید. در این امر، ارائه دسته‌بندی‌های مطرح از نوع دولت‌ها چراغ مسیر پژوهش خواهد بود؛ برای مثال طبقه‌بندی «برنارد کریک»^۱ علاوه بر توجه به تفاوت‌ها، به تنوع از دولت‌ها نیز می‌پردازد. او بین دولت‌های جمهوری، خودکامه و مطلقه انفکاک قائل شده و به طبقه‌بندی آن‌ها از یکدیگر مشغول می‌شود. او به‌طور خلاصه در نوع جمهوری از دولت، آن را به‌مثابه روندی قانونی تعریف می‌کند که دیدگاه‌های ناهمگون گروه‌ها در باب منافع عمومی از طریق مذاکرات و بحث سیاسی به نزدیکی و سازش مبدل می‌شود. در این سنخ از دولت که مبتنی بر جمهوریت است، دولت می‌تواند برای تأمین منافع عمومی و برقراری رفاه حداقلی عموم مردم، در امور اقتصادی و اجتماعی دخالت کند و شهروندان در باب امور خصوصی خود بدون دخالت دولت هر طور مصلحت بدانند پیگیری می‌کنند. برای این نوع از دولت‌ها می‌توان به دولت بریتانیای قرن هجدهم، آتن عهد باستان و دموکراسی‌های لیبرال امروزی اشاره کرد (تانسی، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

نوع دیگری از روایتگری نظریات مرتبط به دولت‌ها، انقسام میان آن‌ها بر مبنای نوع نظام سیاسی مستقر در جهان معاصر است. این نوع تقسیم‌بندی بر اساس هنجارهای شناخته‌شده در هر دوره زمانی قابل انجام است؛ به‌طوری‌که در دوران معاصر با سه هنجار لیبرالیسم، دموکراسی و مساوات‌گرایی مواجهیم و بر همین مبنا نظام‌های

^۱ Bernard Kerik

سیاسی را می‌توان در بی‌نهایت نقطه از فضای سه‌بعدی برآمده از هنجارها جایگذاری کرد که البته هیچ‌گاه دو نظام سیاسی را نمی‌توان علی‌رغم شباهت‌های قابل‌ملاحظه میانشان، دقیقاً در نقطه‌ای واحد قرار داد و حتی باثبات‌ترین نظام سیاسی نیز از نظر هنجارهایی که در خود دارد تغییرپذیر است (بلاندل، ۱۳۷۸: ۴۸-۶۱).

۴. مبانی جمهوریت از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام چه در مبنای حکومت و چه در چگونگی کسب قدرت و حصول حکومت و نیز در نحوه اداره حکومت و هم در عنان زدن بر قدرت به‌گونه‌ای که منجر به محدود کردن قدرت حکومت شود، نقشی ویژه و اساسی برای مردم قائل است، به‌طوری‌که از مردم به‌عنوان صاحبان حکومت یاد می‌کند و تخلف از حکم ملت را برای هیچ‌یک از کارگزاران نظام اسلامی جایز نمی‌داند و این به‌مثابه مبنای حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) قلمداد می‌شود. البته کسب قدرت در حکومت اسلامی از دریچه مجلسی ملی از منتخبین واقعی مردم حاصل خواهد شد و از همین طریق امور ممالک سامان خواهد یافت و اداره خواهد شد. نحوه اداره مبتنی بر اصل بیست‌وشش از قانون اساسی از ناحیه حضور فعالانه احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی، انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی در چارچوب قوانین، اصول و موازین اسلامی و به‌طور آزادانه صورت خواهد پذیرفت و البته هر ساختاری از قدرت بی‌نیاز از تحدید قدرت نیست و این مهم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق جمهور مردم صورت می‌پذیرد؛ به‌طوری‌که در اندیشه امام هر فردی از افراد ملت ذی‌حق است تا مستقیماً زمامدار مسلمین را استیضاح کند و در مقابل فرد مسئول موظف به پاسخگویی و اقناع آحاد ملت است که در غیر این صورت و عدم عمل به وظیفه اسلامی، خودبه‌خود از مقام مسئولیت و زمامداری مسلمین معزول خواهد بود (بازتاب اندیشه، ۱۳۸۲).

۴-۱. جمهوریت و اسلامیت

امام خمینی (ره) سه ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در مصاحبه با روزنامه لوموند فرانسه به این پرسش خبرنگار که «مراد از جمهوری اسلامی چیست؟» پاسخ می‌دهند:

اما جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی‌ای متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم، برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود این‌ها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۷۹).

همان‌گونه که از پاسخ صریح امام به روشنی پیداست، مقوله جمهوری همچون سایر جمهوری‌های مطرح دنیا بر اهمیت حضور و پذیرش مردم بنا می‌شود، به همین دلیل، آنچه جمهور مردم بر آن اتفاق می‌کنند عمل به دستورات اسلام و تبعیت از قانون اسلام برای اداره جامعه است؛ به طوری که هم افراد منتخب مردم و هم آنچه به واسطه منتخبان در حیطة و دایره قوانین قرار می‌گیرد به تمامی در شمول احکام الهی اسلام قابل برداشت و استنتاج است.

همچنین با تداوم فحص در بیانات امام در بازه زمانی حدود یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دوباره شاهدیم که امام در قالب رهنمودهایی به فرهنگیان در دبیرستان حکیم نظامی قم در اهمیت انتخاب جمهوری اسلامی، به نقد مروجان سایر مقولاتی چون جمهوری یا جمهوری دموکراتیک می‌پردازند و به واسطه تبیین ایضاحی در صدد واکاوی از اغراض اشخاص و افرادی برمی‌آیند که در این مسیر به تبلیغ مشغول‌اند. «آن‌ها که در نوشتجاتشان از «جمهوری» دم می‌زنند - جمهوری فقط - یعنی اسلام نه. آن‌هایی که «جمهوری دموکراتیک» می‌گویند، یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه؛ آن‌ها می‌خواهند باز همان مصائب را با فرم دیگر برای ما به بار بیاورند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۵۳).

امام همچنین، در یکم دی ۱۳۵۸، در جمع دانشجویان تهرانی و تبریزی، حدود ده ماه پس از همه‌پرسی قانون اساسی، با اشاره به اهمیت قانون اسلام به عنوان مرکز ثقل و محور جمهور مردم، از آن به عنوان عامل اصلی دشمنی دشمنان یاد می‌کند؛ چراکه پدیده جمهوری صرف به تنهایی، پدیده‌ای بدیع و جدید در دنیای آن روز تصور نمی‌شد و آنچه انقلاب ایران را از سایر نظامات مستقر در دنیای آن روز و امروز متفاوت و متمایز می‌سازد ترکیب دو عنصر جمهوریت و اسلامیت است که حقیقت اسلام به عنوان یک عامل مهاجم در برابر هرگونه سلطه قدرت‌های جهانی عمل

می‌نمود و این مقابله به‌عنوان زنگ خطری برای استکبار جهانی به حساب می‌آمد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۷۰).

امام در دیدار بانوان اهواز، قم و مشهد، در بازه زمانی چهار ماه پس از انقلاب (یازدهم خرداد ۱۳۵۸) با تبیین هدف اصلی انقلاب اسلامی که همانا استقرار نظام اسلامی در جهان است، بار دیگر با تأکید بر اهمیت خواست و حضور مردم در تحقق اهداف انقلاب، به دلایل مخالفت مخالفان با جمهوری اسلامی می‌پردازد و با تدقیق در امر اثر قوانین و احکام اسلامی در بازدارندگی از سوءاستفاده دشمنان و مستکبران عالم از ملت‌های مسلمان، پرده از نگاه شوم و ضد انسانی آن‌ها برمی‌دارد که همواره در پی استعمار و استثمار ملت‌ها به طراحی مشغول‌اند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۳). از این‌رو شاهدیم که امام در همین سخنرانی به شعار و رأی به جمهوری اسلامی اکتفا نمی‌کنند و باور دارند باید جمهوری موردنظر که مبتنی بر اسلام است، در عرصه عمل و میدان نیز ظهور و بروز عینی و بیرونی یابد و رأی اکثریت ملت و خون‌هایی که برای تحقق احکام اسلام نثار شده است، در قالب قوانین اسلامی و عمل به آن‌ها نهادینه شود تا راه هرگونه سوءاستفاده دشمنان مسدود گردد.

۲-۴. جمهوری و دموکراسی

از جمله نکات دیگری که درباره آن دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است، استفاده و عدم استفاده از واژه دموکراسی و دموکراتیک در کنار جمهوریت برای تعیین نظام حاکم بر انقلاب اسلامی ایران است که امام به‌روشنی و صراحت دلایل عدم استفاده از دموکراسی را برای همگان تبیین می‌کند. ایشان در شانزدهم آبان ۱۳۵۸، در جمع دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، در وصف توطئه‌ها و دشمنی‌های آمریکا، به دلایل عدم استفاده از واژه‌هایی چون دموکراسی برای سیستم حکومتی ایران اشاره می‌کند و دلایل این امر را در تفاوت معانی برای دموکراسی در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف، از جمله آمریکا و شوروی و غیره معرفی می‌کند. امام با دقت تمام، امکان سوءاستفاده از واژه‌ای را که از آن معانی مختلف برداشت می‌شود اجتناب‌ناپذیر می‌داند و به همین دلیل آن را طرد می‌کند و نسخه کامل‌تر آن را عرضه می‌کند که همانا اسلام است و در همه‌جا دارای معانی یکسان است. جمهوریت

متکی بر اسلام که به واسطه تقابل با طاغوت و سلطه مستکبران عالم، محل تعارض منافع قدرت‌ها با خود را شکل می‌دهد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۵۲۶).

۳-۴. جمهوریت و مشارکت سیاسی

جمهوریت و مشارکت دو روی یک سکه‌اند که در عمل یک کاربرد دارد و آن هم حضور مردم در کارزارهای گوناگون نظام است. از مصادیق عینی مشارکت در جمهوری اسلامی، حضور پرشور مردم در پای صندوق‌های رأی در مقاطع مختلف است که این مهم در ابتدای انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حضور پرشور و توأم با ایثار مردم در صحنه مقابله با رژیم دژخیم پهلوی و پس از آن به واسطه حضور مردم در همه‌پرسی جمهوری اسلامی و قانون اساسی جلوه یافت و در عرصه‌های دیگری همچون حضور در راهپیمایی‌های دفاع از جمهوری اسلامی یا حضور در جبهه‌های نبرد نیز می‌توان مشارکت را به صورت مشهود و محسوس جستجو کرد. امام آگاهانه و بر همین مبنا است که در جمع هیئت دولت، در چهارم شهریور ۱۳۶۳، بر اهمیت مشارکت مردم در امور تأکید می‌کنند: «ما مردم را لازم داریم، یعنی، جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد. این مردم‌اند که این جمهوری را به اینجا رساندند و این مردم‌اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۶).

بر همین مبنا، امام رضایت مردم از ادارات و امر حکومت را شرط اصلی تداوم همراهی آن‌ها با حکومت قلمداد می‌کند و در این مسیر همگان را نسبت به خیانت خائن‌ان و عوامل دشمنان انقلاب اسلامی که احیاناً رسوخ در ادارات و نهادهای دولتی کرده باشند، انداز می‌دهند؛ چراکه رمز بقای انقلاب در همراهی و اتحاد جمهور مردم نهفته است. امام خمینی (ره) در بیستم خرداد ۱۳۵۹، در جمع استانداران سراسر کشور در حسینیه جماران، ضمن ابراز نگرانی از اختلاف در ارگان‌های اسلامی، اختلاف میان آحاد مردم که همانا جمهوریت نظام است را منشأ و مقدمه‌ای برای شکست جمهوری اسلامی معرفی و هرگونه عاملی که منجر به برهم زدن صفوف یکپارچه ملت و اتحاد مردم باشد را قویاً رد می‌کنند. به اعتقاد ایشان، ملت ایران با تمسک به یک واحد در مقابله با رژیم طاغوت پهلوی توفیق و بر آن غلبه یافت و هم‌اکنون نیز با طاغوت موجود در عالم مواجه است و هر آنچه منجر به شکستن اتحاد ملت اعم از

اختلافات یا سوءمدیریت‌ها از سوی روحانیون، دادگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی شود به پیشبرد توفیقات طاغوت و معاندان جمهوری اسلامی منتهی خواهد شد، برای همین، امام با صراحت و قاطعانه مسئولان و مردم را از آن احتراز می‌دهد (همان: ۴۱۵). در واقع امام از عملیات رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن و گماشتگان داخلی آن‌ها در برهم‌زدن صفوف یکپارچه ملت آگاه است و این آگاهی را به آحاد جامعه منتقل می‌کند تا بتواند جمهور مردم را در وصول به اهداف و آرمان‌های انقلاب هدایت نماید. مصداق این حقیقت سخنرانی امام در ۱۶ بهمن ۱۳۵۹، در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی و در اهمیت مقوله تبلیغات، در دو بعد مثبت و منفی است که اشاره می‌کنند، در ایام پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد تبلیغات منفی معاندان انقلاب علیه جمهوری اسلامی هستیم. امام با دقت تمام و به‌درستی به تبلیغات واقعیات جمهوری اسلامی دعوت می‌کند و ضمن توجه به مبحث جمهوریت و کارکرد آن که زمینه تحقق برپایی نظام اسلامی را فراهم آورده، باور دارد، وجود جمهور مردم و پای در رکاب بودن آنان، منجر به حفظ و تحکیم نظام اسلامی خواهد شد و بر این اساس، ضمن توجه نسبت به مسائل و اوضاع مملکت، همگان را مکلف به دفاع از جمهوری اسلامی می‌داند؛ چراکه در صورت عدم حمایت و پشتیبانی از جمهوری اسلامی، به دست بدخواهان و معاندان نظام از پای درخواهد آمد و به‌واسطه تبلیغات دامنه‌دار داخلی و خارجی و نیز نفوذ افراد گماشته‌شده از سوی قدرت‌های مستکبر به نابودی و اضمحلال کشانده خواهد شد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۵۸).

۴-۴. جمهوریت و سلطنت

از مهم‌ترین کارکردهای جمهوریت تقویت نقش‌آفرینی مردم در تعیین سرنوشت نظامات سیاسی و بی‌تفاوت نبودن به حال و آینده کشور است که خود مسبب پویایی و بالندگی هر جامعه و مقابله با هرگونه تمامیت‌خواهی و استبداد داخلی و خارجی است. این نکته اساسی نه‌تنها هیچ‌گاه از دید امام پنهان نمانده، بلکه در مقاطع مختلف از دوران نهضت چه قبل و چه بعد از انقلاب به آن اشاره داشته‌اند و اذعان آحاد مردم را به آن جلب می‌کنند. مصداق این تذکر، سخنرانی خارج از کشور ایشان، در سه ماه قبل از پیروزی انقلاب، در بیست و دوم آبان ۱۳۵۷ است. امام در

نوفل لوشاتو، در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از ایران، در توضیح و تبیین اصول بنیادین انقلاب، ضمن نفی سلطنت، مشارکت مردم در انتخاب حاکم و سلطان را پس از عزل شاه، دومین گام تحقق انقلاب معرفی کرده، اشعار می‌دارد که مردم در حکومت سلطنتی هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارند و شخص سلطان به زور شمشیر و به صورت قهری تسلط می‌یابد. لذا پس از وصول به قدرت نیز خود را نسبت به هیچ‌یک از آحاد جامعه پاسخگو نمی‌داند و رأی و نظر او به مثابه قانون فرض می‌شود؛ بنابراین از اساس رژیم سلطنتی را غلط می‌داند و شایسته حکومت بر مردم نمی‌بیند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۹۳). این در حالی است که در حکومت جمهوری شخص منتخب که در نتیجه اقبال و آرای مردم بر مسند قدرت تکیه زده، در بازه زمانی محدود چندساله‌ای قدرت را در اختیار دارد و پس از آن میان او و آحاد مردم تفاوتی نیست و بالطبع در صورت عملکرد نادرست باید پاسخگوی افکار عمومی و دستگاه‌های نظارتی باشد. امام این امر را در باب جمهوری اسلامی متفاوت‌تر نیز می‌داند، چراکه ویژگی‌ها و شاخصه‌های لحاظ‌شده برای حاکم از طرف اسلام به‌گونه‌ای است که در صورت فقدان و از دست دادن یکی از این ویژگی‌ها به صورت خود به خودی از درجه صدارت معزول خواهد بود (همان: ۴۹۵).

۴-۵. جمهوریت و استقلال

وجه دیگر جمهوریت و حضور مؤثر مردم در شکل‌گیری ارکان حکومت، ممانعت از دخالت بیگانگان داخلی و خارجی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای کشور است. امام اهمیت حضور مردم در احیا و حفظ استقلال کشور را مورد توجه همگان قرار می‌دهد و در هجدهم آبان ۱۳۶۵، در جمع اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و کارکنان ارتش، درباره اهمیت عدم وابستگی جامعه به فرد یا افرادی خاص و تکیه بر جمهوریت نظام اسلامی، آن را عنصر حیاتی و کلیدی پایداری و قوام جمهوری اسلامی می‌خواند و بر آن تأکید می‌ورزد؛ عنصری که علاوه بر حصول استقلال برای ملت، موجبات تحکیم و تداوم نظام جمهوری اسلامی را نیز فراهم می‌آورد. البته در نگاه امام روح حاکم بر این اتحاد ملت متأثر از خلوص و تقوای آحاد مردم است که باید مراقبت شود. امام در ظرافت این عدم وابستگی، نه تنها وابستگی به قدرت‌های جهانی بلکه وابستگی به اشخاص داخلی و مسئولین را هم یادآوری

می‌کند و معتقد است وابستگی جمهوری اسلامی به ملت مسلمان که همان جمهوریت نظام است، موجب بقای آن خواهد بود و در آن تردیدی نیست؛ چراکه در صورت از دست دادن یک یا چند مسئول، این آحاد ملت‌اند که با همراهی و اتحاد با یکدیگر منافذ ایجادشده را پُر خواهند کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۴۹-۱۵۰) و این عنصر گران‌بها و ارزشمند یعنی استقلال، از دریچه جمهور مردم و حضور مؤثر آنان در صحنه و کارزار اجتماع و سیاست و سایر حوزه‌ها قابلیت ضمانت می‌یابد.

۶-۴. جمهوریت و آزادی

جمهوریت در کنار اسلام با عنوان جمهوری اسلامی و آزادی از شعارهای پرتکرار و به عبارتی مطالبه مؤکد مردم در دوران قبل از انقلاب اسلامی است که در کنار مفاهیمی چون عدالت و استقلال به صورت «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» «آزادی، آزادی، این است شعار ملی» یا «در بهار آزادی، جای شهدا خالی، راه شهدا باقی» یا «آزادی فرهنگ ماست، خاموش ماندن ننگ ماست» (مرتضوی، ۱۴۰۰: ۴۱۸) از سوی آحاد مردم و در قالب تظاهرات سراسری و پربسامد فریاد می‌شد. امام نیز آزادی و نهادینه‌سازی آن در جامعه را به‌عنوان یک اصل اساسی و حیاتی مورد توجه داشت و آزادی را مشروط بر آنکه دستاویز بدخواهان در توطئه علیه انقلاب و آرمان‌های انقلاب نشود، امری ضروری می‌دانست. ایشان در سی‌ام مرداد ۱۳۶۲، در جمع اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آزادی را از ره‌آوردهای جمهوری اسلامی معرفی می‌کند و آن را ارمغانی جمهوری اسلامی به همه طوایف ایرانی اعلام می‌دارد که همه ابعاد زندگی مردم را شامل می‌شود؛ به‌طوری‌که نه روزنامه‌ای تعطیل و نه گروه و حزبی از کار خود بازداشته می‌شود و حتی برخی از گروه‌ها که ناشناخته بودند، از طرف دولت به کار گرفته شده‌اند. بنابراین، آنچه آزادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد توطئه توطئه‌گران و جاسوسی بدخواهان و معاندان نظام جمهوری اسلامی است که در لباس مردم عادی به بدنه نظام نفوذ می‌یابند و امنیت مردم را نشانه می‌گیرند. اینجاست که دیگر نمی‌توان بی‌تفاوت ماند و مفاهیمی چون اسلام و عقلانیت است که انفعال در برابر توطئه دشمن را مذموم می‌داند و مقابله جدی و فعالانه در برابر خائنان را تجویز می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۳: ۶۰۷).

امام خمینی همچنین مقولاتی مانند آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم را از مبانی نظام جمهوری اسلامی می‌داند و تا آنجا که وابستگی به بیگانگان و قصد توطئه در کار نباشد، همه افراد و آحاد جامعه، حتی کمونیست‌ها را در بیان عقاید و نظرات خویش آزاد می‌داند و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق طبیعی، یعنی آزادی را از آن‌ها سلب کند (مرتضوی، ۱۴۰۰: ۱۲۸)؛ به طوری که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام قبل و پس از پیروزی انقلاب، بازگرداندن حق آزادی انتخاب و مشارکت مردم در تعیین سرنوشتشان است و بر همین مبنا در هجدهم دی ۱۳۵۷، در مصاحبه با روزنامه اکسپرس، در پاسخ به «چیستی برنامه دولت»، فراهم‌سازی هر چه سریع‌تر شرایط انتخابات آزاد را از مهم‌ترین وظایف دولت آینده اعلام می‌کند و در توضیح این شرایط، به آزادی مطبوعات به معنای واقعی کلمه و ذکر حقایق و واقعیات و ایجاد آگاهی برای مردم اشاره می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۳۳).

دغدغه دیگر امام در حوزه مربوط به تحقق آزادی در انتخابات که در مصاحبه با روزنامه اکونومیست در دی ۱۳۵۷ بروز می‌یابد، خارج ساختن انتخابات و نتایج آن از اعمال قدرت و نفوذ گروه و طبقه‌ای خاص در جامعه است (همان: ۳۸۲)؛ چراکه در صورت بی‌توجهی به این انحصار سیاسی، افرادی محدود بدین طریق در راستای منافع گروهی و جریانی خویش، به وضع قوانین و اداره مملکت خواهند پرداخت و مستضعفین جامعه را از وصول به حقوق طبیعی و انسانی خویش محروم می‌سازند و مهم‌تر از همه این موارد که با اندکی دقت و از دریچه نگاه توحیدی امام به حقیقت آزادی واصل خواهیم شد و امام خود نیز به صراحت این حقیقت تامه را در مصاحبه با روزنامه انگلیسی تایمز و در پاسخ به چیستی اعتقادات خود از سوی خبرنگار ارائه می‌کند: «ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم...» (همان: ۳۸۷).

امام خمینی اصل آزادی بشر را از اصل توحید به‌طور دقیق و مستدل استنتاج می‌کند، زیرا در صورت باور به خالقیت حضرت حق و مخلوق بودن انسان از ناحیه قدسی پروردگار یکتا، تسلیم جز در برابر خداوند معنایی ندارد و در مقابل، هیچ انسانی حق روا داشتن ظلم به دیگری را نخواهد داشت. در اصل، تسلیم بودن در برابر خدا و تحفظ تعهد نسبت به خدای یکتا نوعی ایجاد تعهد نسبت به تمامی مخلوقات الهی است که از ناحیه تعهد به خداوند عبور می‌کند و در طول تعهد به حضرت حق قرار می‌گیرد. پس آزادی منبعث از توحید، رهانیدن خویشتن از هرگونه اغلال بردگی و بندگی نسبت به غیر خداست و اوج آزادی بندگی نسبت به ذات ربوبی است و خداوند منتها و غایت همه خیرات، از جمله آزادی قلمداد می‌شود.

۴-۷. جمهوریت و عدالت

یکی از مهم‌ترین اهداف امام خمینی (ره) از ابتدای نهضت، پایان دادن به بی‌قانونی‌ها و نابرابری‌ها و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه بوده که برای وصول به این مقصود زحمات و تلاش‌های بسیاری را متحمل شده است. به عبارت دیگر حفظ حقوق ملت از مهم‌ترین اهدافی است که امام بر آن تأکید دارد و در قالب صدور فرمان هشت ماده‌ای نیز بر اهمیت صیانت از حقوق و آرای مردم اصرار می‌ورزد (مرتضوی، ۱۴۰۰: ۲۳۷). در قرآن^۱ هم این مؤلفه حیاتی و مهم، یعنی برقراری قسط و عدالت اجتماعی در جوامع، به‌عنوان مهم‌ترین رسالت پیامبران یاد می‌شود. امام با پیوند جمهوریت با دفاع از حقوق مستضعفین که بخش قابل توجهی از مراحل شکل‌گیری و تحقق انقلاب را متحمل شده‌اند، در صدد است با احیای عدالت، حقوق از دست‌رفته اقشار مختلف مردم، به‌ویژه مستضعفین را بازگرداند.

۴-۸. جمهوریت و مستضعفین

چنانکه اشاره شد، همواره بخش چشمگیری از آحاد جوامع را قشر مستضعف جامعه تشکیل می‌دهند که در صورت تحقق آرمان جمهوریت مبتنی بر اسلام می‌توان بهره‌مندی توأم با رضایت این قشر را شاهد بود. امام خمینی با توجه به مزیت برخوردار بودن از جمهوریت مبتنی بر اسلام همواره توجه به این قشر را به‌عنوان صاحبان انقلاب یادآور می‌شود؛ به‌طوری‌که در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله

^۱ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/ ۲۵).

خامنه‌ای در مهر ۱۳۶۰، ضمن تأکید بر اهمیت نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی، بار اصلی مقوله جمهوریت را بر دوش مستضعفان جامعه می‌داند، زیرا آنان بدون هیچ توقعی در مسیر اسلام، همه گونه زحماتی را تقبل کرده‌اند. امام بر این باور است که خدمت به ملت رمز تداوم تفوق و پیروزی جمهوری اسلامی و حفاظت و حراست نظام از هرگونه آسیبی است و در صورت خدمت صادقانه مسئولان است که ملت در عرصه و صحنه میدان جواب‌گوی دشمنان و یاوه‌گویان علیه جمهوری اسلامی خواهد بود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۸۰). بر این اساس و منبعث از وعده الهی که «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»^۱ امام معتقد است که در جمهوری اسلامی نباید نشانی از ظلم و استثمار و تسلط غنی بر فقیر وجود داشته باشد؛ آن‌هم به گونه‌ای که منجر به استثمار فقرا شود؛ از این رو حمایت و تقویت مستضعفین تا زیر و رو شدن نسبت مستکبر به مستضعف را از ضرورت‌های مسائل اسلامی یاد می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۱).

۹-۴. جمهوریت متمایز (جمهوری اسلامی نسبت به سایر جمهوری‌ها)

امام در وصف جمهوری اسلامی تأکید بر متمایز بودن جمهوری حاکم بر نظام اسلامی نسبت به سایر جمهوری‌های مستقر در نظامات سیاسی دارد و هنگام پرسش خبرنگار روزنامه ایتالیایی «پائزه سرا»^۲ از دلایل سقوط رژیم پهلوی و چگونگی کیفیت نظام جمهوری جایگزین و تفاوت آن با سایر جمهوری‌ها توضیحات کاملی می‌دهد. نکته جالب این است که این پرسش و پاسخ قبل پیروزی انقلاب اسلامی، در یازدهم آبان ۱۳۵۷ صورت می‌گیرد و امام در تبیین خود اشاره می‌کند که امروز در جهان، مشابهی از آنچه مقصود ما از جمهوری اسلامی است مشاهده نمی‌شود و در تکمیل توضیحات خود به استقلال نظر جمهور و مردم ایران در استقرار نظام سیاسی موردنظر خود تأکید می‌کنند، همان‌گونه که دولت‌های غربی در تعیین مختصات و مشی سیاسی موردنظرشان از ملت ایران کسب تکلیف نمی‌کنند، بالطبع ملت ایران نیز در این حوزه مستقل از نظر اجانب و بیگانگان عمل خواهد کرد و طبق ضوابط اسلامی که خواست قاطبه ملت ایران است و بر اساس آرای مردم، سامان سیاسی کشور را شکل خواهد داد و هرگونه تسلط و دخالت اجانب و بیگانگان در سرنوشت

^۱ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص / ۵).

^۲ . Paese Sera

خویش را مطرود و مردود می‌داند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۶۶). امام همچنین به تفاوت جمهوری اسلامی با رژیم سابق یعنی رژیم پهلوی اشاره می‌کند و ضمن تبیین ویژگی‌های جمهوری مبتنی بر اسلام، به ویژگی‌های مسئولان نظام جمهوری اسلامی و مسئولان رژیم شاهنشاهی می‌پردازد و با ذکر مصادیقی از مسئولان اجرایی، تقنینی، قضایی و حتی نیروهای مسلح در دو نظام، نوع عملکرد، شکل زندگی و مواجهه آن‌ها با ملت را در دو دوره قیاس می‌کند و بدین‌وسیله هوچی‌گری خناسان در مخدوش جلوه دادن جمهوری اسلامی را منکوب و میزان تفاوت میان جمهوری اسلامی و رژیم شاهنشاهی پهلوی را از زمین تا آسمان می‌داند و مهم‌ترین نقطه تمایز را مازاد بر ظلم‌هایی که بر مردم در دوره شاهنشاهی تحمیل می‌شد، عدم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش در دوره شاهنشاهی اعلام می‌دارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۱۹).

نکته متفاوت در این مشارکت، تداوم حضور جمهور مردم در صحنه است که امام در مقام بنیان‌گذار این انقلاب با جدیت آن را دنبال می‌کند و به اشکال مختلف به دنبال حضور مداوم مردم در صحنه‌های گوناگون از انقلاب اسلامی است. این مؤلفه از مشخصه‌های مهم و ضروری در ارتباط با مردم در اندیشه امام به شمار می‌رود و به عبارتی در نظر داشتن مشارکت فعالانه برای آحاد مردم در همه امور مملکت است، به‌طوری‌که مردم نقشی مستقیم و اثرگذار از خویش دریابند. دقیقاً از همین رو است که امام خمینی (ره) بر رأی مردم و مشارکت سیاسی آنان در اداره امور کشور اصرار می‌ورزید و در همین راستا مشروعیت اقدامات نظام اسلامی را متأثر از نگاه شرعی می‌دانست و در عمل فعالیت‌های نظام اسلامی را بر آن مبتنا می‌نمود (مرتضوی، ۱۴۰۰: ۵۵۸). امام همچنین در اهمیت حضور همیشگی مردم در صحنه و کنار زدن اصحاب ثروت که معمولاً به دنبال دور زدن عامه مردم برای کسب قدرت هستند، تأکید بر حضور فعال و مشارکت دائمی مردم در تمامی ساحات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند تا از این طریق هرگونه منفذی برای سوءاستفاده بدخواهان و سوءاستفاده‌گران بسته شود (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ۷۶). تمام این‌ها نشان از تمایز جدی جمهوری اسلامی با سایر جمهوری‌هاست و در واقع جمهوری اسلامی از همین ناحیه امکان وصول به مرتبه ممتاز را خواهد داشت.

۱۰-۴. جمهوریت مُلَهَم (جمهوری اسلامی در نسبت با حکومت صدر اسلام)

امام در وصف مختصات حکومت ایجادشده، آن را الهام‌یافته از حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) معرفی می‌کند و آن‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) در خطبه سوم از مصحف شریف نهج‌البلاغه یکی از دلایل پذیرش حکومت را به حضور حاضرین نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده رضایت ندهند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر شانه‌اش می‌انداختم» (نهج‌البلاغه، خطبه سوم). به این ترتیب، حضرت علی (ع) به واسطه حضور و خواست عمومی مردم حجت را تمام می‌داند و با هدف ستاندن حق مظلوم از ظالم و رفع ظلم بر تشکیل حکومت اقدام می‌کند. امام خمینی هم که از شاگردان خلف مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده، در عمل و با اقبال عموم مردم از ایشان، همین مشی را سرلوحه خویش قرار می‌دهد و اعلام می‌کند: «حکومت "جمهوری اسلامی" موردنظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۵۸).

در این میان، میزان اهمیت قانون تا آنجاست که قانون مقبول عموم مردم که همگان به قانون الهی گردن نهاده‌اند، برای همه انسان‌ها یکسان است و حتی رأی نفس گرامی رسول خدا (ص) که یگانه عالم بشریت است نیز متأثر از اراده و قانون الهی است و به عبارت دیگر در برابر قانون الهی تفاوتی میان ایشان و سایر مردم مسلمان نیست و چه بسا در مواردی از لزوم توجه و عمل به قانون و احکام الهی، رسول خدا صاحب تکلیف بیشتری است: «رأی اشخاص، حتی رأی رسول اکرم (ص)، در حکومت و قانون الهی هیچ‌گونه دخالتی ندارد: همه تابع اراده الهی هستند» (خمینی، بی تا: ۴۵).

۱۱-۴. جمهوریت و ولایت

با وجود تأکیدات فراوان امام و به عبارتی اندیشه اسلامی، بر نقش پررنگ مردم در تعیین سرنوشت خویش و نیز در تعیین شکل حکومت، پس از تحقق حکومت اسلامی و شکل‌گیری حکومت ولایی از نوع ولایت رسول‌الله (ص)، بر آحاد مردم مسلمان

تکلیف است اطاعت از ولی عالم به قانون و عادل را بر خویش الزام دارند؛ از این رو امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه این امر خطیر را این گونه اشعار می‌دارند که اگر فرد شایسته و لایقی که برخوردار از دو صفت علم به قانون و عدالت باشد، به پا خیزد و به تشکیل حکومت مبادرت ورزد، همان ولایتی که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت، بر فرد قائم در امر حکومت مترتب است و بر همه مردم اطاعت از او لازم است (همان: ۵۰). پس در واقع، تنها در این صورت است که امکان تحقق و تداوم حکومت ولایی مقدور و ممکن می‌شود و از این رو در اطاعت و ولایت‌پذیری، همان ولایتی را که برای رسول خدا (ص) در نظر دارد، برای حاکم فقیه نیز مشمول می‌بیند.

۱۲-۴. صراطِ جمهوریت

جمهوریت در کلام امام خمینی که با ترکیب جمهوری اسلامی نمود یافته است، در مقام راه، صراط و بستری برای تحقق قوانین الهی قابل محاسبه است؛ به گونه‌ای که رهبر فقید انقلاب اسلامی پیش از فراندوم انقلاب اسلامی در فرودین ۱۳۵۸، از مفهوم جمهوری اسلامی به مثابه یک راه در تحقق حاکمیت اسلام تعبیر کرده‌اند و در مواجهه با پیشنهادهایی چون جمهوری دموکراتیک یا جمهوری دموکراتیک اسلامی در بیانی صریح و قاطعانه رأی خویش را در یک کلام «جمهوری اسلامی» معرفی می‌کنند و دیگران را نیز برای انتخاب مفاهیم دیگر مخیر و آزاد می‌دانند. البته گفتنی است که امام با روشنگری و تبیین مکرر، یگانه مسیر تحقق خیر برای ملت ایران را انتخاب جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند (برزگر، ۱۳۹۳: ۱۹۷)؛ و این همان رهبری مردم به منظور راه‌یابی به مسیر هدایت و سعادت است که از منزلگاه جمهوریت با محتوای اسلامیت تحقق می‌یابد. امام به دقت بر این حقیقت واقف است که بر اساس سنت الهی، خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه جمهور مردم به تغییر در خود و جامعه بیندیشند و در این مسیر گام بردارند!^۱ بنابراین، اهمیت و نقش مردم قابل انکار نیست. حضرت علی (ع) نیز در نامه‌ای به مالک اشتر نخعی، پس از واکاوی و بررسی ضرورت توجه به عموم مردم در حکومت‌داری، از آنان به عنوان ستون دین یاد می‌کند که باید حاکم با اشتیاق در پی

^۱ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد/ ۱۱).

کسب رضایت و خشنودی مردم باشد: «ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۵. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر جمهوریت از منظر امام خمینی و در نظریه دولت ایشان به‌مثابه بستری برای تحقق احکام و شرایع دینی استنباط شد که همگام و همسوی با مطالبات فطری بشر همچون آزادی، عدالت، استقلال و سایر فضائل انسانی و اجتماعی همواره مطمح نظر بوده و در مقابل نیز اشمئزاز و برائت از ظلم و استکبار و استبداد هدف قرار گرفته است. امام خمینی (ره) هم مبتنی بر معارف اسلامی نسبت‌های میان جمهوریت و فطریات انسانی را برشمرده و بدین واسطه مختصات صحیح جمهوریت را تبیین و تشریح کرده‌اند. نتایج داده‌های به‌دست‌آمده، ساماندهی و تجزیه و تحلیل آن‌ها بیان‌گر نهادینه شدن ارزش‌ها از مسیر جمهوریت است؛ چراکه علی‌رغم ذاتی بودن ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، استقلال، ولایت و ...، تکوین و نهادینه شدن آن‌ها در فضای جامعه مستلزم همراهی و همگامی عموم مردم برای تحقق این ارزش‌ها در متن جامعه است. نکته خطیر این است که جمهوریت ب‌ماهو جمهوریت که از یکایک آحاد مردم تشکیل می‌شود و بناست فطریات انسانی را احیا و حفظ کند، گریزی جز تمسک به ارزش‌ها برای وصول به سعادت نخواهد داشت. بنابراین، در اندیشه امام خمینی (ره) که احیاکننده و پیرو اندیشه انبیا و اولیای الهی است، هدف و غایتی جز بازگشت مردم به فطرت حقیقی انسانی یافت نمی‌شود. نکته مهم نه تنها ارتباط میان هر یک از این ارزش‌ها و جمهوریت، بلکه ارتباط زنجیروار یکایک ارزش‌ها با یکدیگر، از دریچه خواست جمهور است؛ به طوری که تحقق آزادی از دریچه تحقق عدالت در جامعه و با همراهی عموم مردم صورت می‌پذیرد یا تحقق استقلال از دریچه آزادی و مقابله با ظلم داخلی و خارجی و همراهی جمهور امکان می‌یابد. در پایان می‌توان گفت، از نگاه امام جمهوریت ظرف و بستری برای تحقق ارزش‌های الهی و انسانی قلمداد می‌شود که لازم است با بیداری و آگاهی جمهور تضمین گردد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام (۱۳۸۲). قم: انتشارات الهادی
- ارسطو (۱۳۶۴). سیاست. مترجم: حمید عنایت. تهران: سپهر.
- استراوس، لئو؛ کراپسی، جوزف (۱۳۷۳). نقد نظریه دولت جدید. مترجم: احمد تدین. تهران: انتشارات کویر.
- اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۷). جمهوریت و تغلب در آرای امام خمینی و سید قطب و تأثیر آن بر حرکت‌های اسلامی معاصر. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۷ (۲۵)، ۱۹۸-۱۷۹.
- اسماعیلی، محمدمهدی؛ دشت‌کوهی، محسن (۱۴۰۰). مبانی معرفتی جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۱ (۱)، ۱-۱۸.
- افلاطون (۱۴۰۲). جمهور. مترجم: فؤاد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید.
- بازتاب اندیشه (۱۳۸۲). جمهوریت در اندیشه امام خمینی (قدس سره). ش ۳۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): سیاست به‌مثابه صراط. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بلاندل، جین (۱۳۷۸). حکومت مقایسه‌ای. (مترجم: علی مرشدی‌زاده) تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تانسی، استیون. دی (۱۳۸۱). مقدمات سیاست. (مترجم: هرمز همایون پور) تهران: نشر نی.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۳). بحث‌هایی در اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم. تهران: انتشارات اساطیر.
- خمینی روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- _____ (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۰). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۴). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۴). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۱۹). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۲۰). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۲۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۴). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۷۸). صحیفه امام (جلد ۸). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۸۹). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- (۱۳۹۲). جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (بی تا). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. چاپ اول از دوره‌ی جدید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی‌زاده، ک. (۱۳۸۶). مردم‌سالاری دینی (جلد ۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مرتضوی، سید ضیاء (۱۴۰۰). دانشنامه امام خمینی (ره). ج ۱، ۴، ۶، ۱۰. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موحدی ساوجی، محمدحسن (۱۳۹۸). دین و جمهوریت. تهران: سرایی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۸). نظریه مردم‌سالاری دینی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶). نظریه‌های دولت. مترجم: حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۷). مفاهیم کلیدی در علم سیاست. مترجمان: عباس کاردان، و حسن سعیدکلاهی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.